بيانات معظم له در ديدار شركت كنندگان همايش بين المللى رسانه هاى جهان اسلام درحمايت از انتفاضه - 11 /بهمن/ 1380

بسم الله الرّحمن الرّحيم
به همه برادران عزيز خوشامد عرض مي كنم و اميدوارم كه گردهمايي شما براي عالم اسلام، بخصوص براي مردم مظلوم فلسطين، بركاتي داشته باشد.
دو مطلب را عرض مي كنم: يک مطلب درباره مسأله فلسطين - كه امروز مهمترين مسأله جهان اسلام است - و مطلب ديگر در باب رسانه ها و نقش و مسؤوليت آنهاست.
بايد شک نكنيم كه اين روزها، روزهاي سرنوشت سازي براي فلسطين است. البته فلسطين صحنه درگيريهاي اسلام و دشمنانش در طول تاريخ ما بوده و در صد سال اخير - بخصوص در پنجاه سال اخير - خطّ مقدّم مبارزه با دشمنان اسلام بوده است. در واقع مي شود فلسطين را تابلويي از حوادث مهم تاريخ اسلام در قرنهاي متمادي دانست. ولي آنچه كه امروز در فلسطين مي گذرد - با توجه به جوانب قضيه - تقريباً استثنايي است. اوّلاً فشارهايي كه امروز بر مردم فلسطين وارد مي آيد، بي سابقه است ؛ ثانياً فداكاري و مبارزه جانانه اي هم كه امروز مردم فلسطين مي كنند، بي سابقه است. ما هرگز ملت فلسطين را با اين جدّيت، با جسم و جان و مال و فرزند و عزيزانشان در صحنه مشاهده نكرده ايم. اين خصوصيت مربوط به اين انتفاضه مبارک است.
البته امريكا و بسياري از كشورهاي غربي از اسرائيل حمايتي بي دريغ و آشكار مي كنند و ميثاقهاي بين المللي را زيرپا مي گذارند و يک بار ديگر براي همه دنيا به اثبات مي رسد كه نگاه قدرتهاي بزرگ به معاهدات و مجامع بين المللي، يک نگاه ابزاري است. آنها از اين معاهدات و از اين مجامع بين المللي، فقط در جهت منافع و هدفهاي خود استفاده مي كنند و براي معاهدات و مجامع مذكور، احترامي قائل نيستند. يقيناً اسرائيل بدون پشتيباني اقتصادي و سياسي و تبليغاتي و رسانه اي قدرتهاي بزرگ، امروز و هميشه، نمي توانست و نمي تواند بر سر پا بماند. مجرم در اين قضيه، فقط اسرائيل نيست ؛ در درجه اوّل، امريكا هم در همه فجايع اسرائيل شريک جرم است.
غرب و قدرتهاي غربي، از آغاز پيدايش غدّه سرطاني صهيونيسم در اين منطقه، تعامل دوجانبه اي را با هم داشتند. وظيفه اسرائيل اين بوده است كه منافع قدرتهاي متجاوز غربي را در منطقه اسلامي حفظ كند ؛ يعني هميشه روبه روي كشورهاي اسلامي و كشورهاي منطقه، تهديد دائمي بالفعلي قرار داشته باشد و كشورهاي اسلامي را در يک دغدغه دائمي نگه دارد تا آنها نتوانند با هم متّحد شوند و يک مجموعه همدل و همجهت را به وجود آورند و از امكانات و ثروت و نيروي انساني خود براي منافعشان استفاده كنند. متقابلاً وظيفه آنها هم اين بوده است كه اين غدّه سرطاني را در اين منطقه با همه وجود نگه دارند. البته امروز اين نقش بيشتر از همه برعهده امريكاست.
در آغاز پيدايش اين مشكل و مصيبت بزرگ براي دنياي اسلام، غفلتهايي صورت گرفت و تدبير درستي براي مقابله با اين مشكل ديده نشد و به كار نرفت. البته شخصيتهاي برجسته اي در فلسطين و بيرون از فلسطين بودند كه نبايد زحماتشان ناديده گرفته شود - از قبيل مرحوم عزّالدين قسّام، مرحوم حاج امين الحسيني، مرحوم شيخ محمد حسين كاشف الغطاء - همه اينها خطر وجود دولت و حكومت صهيونيستي را در اين منطقه شناختند و آن را گوشزد كردند و مبارزاتي انجام دادند ؛ ليكن دنياي اسلام و موظّفان دنياي اسلام نتوانستند نقش خود را درست ايفا كنند ؛ لذا در مبارزه مردم فلسطين با اين پديده بسيار خطرناک، افت و خيزهايي در طول زمان وجود داشته است.
ولي مبارزه امروز دو خصوصيت دارد كه در هيچيک از زمانها اين دو خصوصيت در مبارزات فلسطينيها و مبارزه براي فلسطين، با هم وجود نداشته است: يک خصوصيت، اسلامي بودن اين مبارزه است ؛ و خصوصيت دوم، مردمي شدن و همه گير شدن آن است. اجتماع اين دو خصوصيت با هم، زانوان رژيم صهيونيستي را به لرزه درآورده است. احساس خطر در سراسر كيان صهيونيستي وجود دارد. مي فهمند و درست تشخيص مي دهند كه خطر عمده و اساسي، امروز به وجود آمده است. كسي كه امروز در مقابل كيان صهيونيستي قرار گرفته، يک گروه نيست ؛ شخصيتهاي سياسي اي

نيستند كه بشود پشت ميز مذاكره آنها را مجاب كرد. شما مي دانيد كه پشت ميز مذاكره، با شيوه هاي گوناگون مي شود افراد را مجاب كرد - با تهديد، تطميع و وعده هاي دروغ - اما وقتي مبارزه در دامن ملت افتاد و خودآگاهي در ميان مردم به وجود آمد و آنها با همه وجود احساس كردند كه وظيفه دارند در مقابل وضعيّت بايستند، والّا يكسره نابود و پامال خواهند شد ؛ از طرفي هم هنگامي كه تدبير مبارزه، از ايمان اسلامي سرچشمه گرفت و به دلها و جانها متّكي شد، در اين صورت، مبارزه براي دشمن، بسيار خطرناك مي شود. امروز چنين وضعي پيش آمده است.
سردمداران رژيم مستكبر امريكا هم به همين دليل عصباني اند و باطن خود را نشان مي دهند. آنچه در دل آنها وجود دارد و هميشه پشت پرده هاي ضخيم رياكاري، آن را پنهان مي كنند، امروز در اظهاراتشان نشان داده مي شود. امروز امريكاييها نه فقط از رژيم سفّاك صهيونيستي، بلكه از جنايتهاي صريح آن هم بدون هيچ پوشش و شرمي حمايت مي كنند. فقط مسأله ترور نيست ؛ يك جنايت بزرگ و آشكار صورت گرفته است ؛ از اين حمايت مي كنند ؛ از آوردن تانكها در كوچه ها و خيابانها حمايت مي كنند ؛ از ويران كردن خانه هاي مردم حمايت مي كنند. اين باطن رژيم استكبار است. «استكبار»ي كه در واژه هاي انقلاب اسلامي تكرار مي شود، يعني اين.
حماس و جهاد اسلامي و حزب الله را به عنوان تروريست معرفي مي كنند. چرا؟! مگر اينها چه كرده اند؟! جرم اينها اين است كه از شرف و ميهن و خانه و مردم خود دفاع كرده اند. ميل امريكاييها اين است كه اسرائيل با جلّادان خود، بچه هاي كوچك ؛ بچه هايي مثل پسر اين مرد را جلو چشم پدرانشان به قتل برساند و كسي اعتراض نكند، چيزي نگويد، در صدد پاسخ برنيايد و خشمگين نشود. گناه حماس و جهاد اسلامي و حزب الله لبنان و همه مبارزان حقيقي صحنه نبرد فقط اين است كه در مقابل اين گونه تجاوزات قساوت آميز و كم نظير، به پاسخ عملي دست مي زنند و اقدام مي كنند. جرم جمهوري اسلامي هم اين است كه آشكارا و صريح از حقّ و عدالت دفاع مي كند. ما هرگز دفاع از حقّ و عدالت را به خاطر ميل دل قدرتهاي استكباري كنار نگذاشتيم. ما هرگز در اين زمينه، سازش و رياكاري نكرديم. ما صريح حقّ و عدالت را مطرح و از آن دفاع كرديم. اين جرم ماست.
امريكاييها باطن خود را نشان دادند. رئيس جمهور امريكا در نطق اخيرش، مثل كسي حرف مي زند كه تشنه خون انسانهاست! كشورها و ملتها را تهديد و متّهم مي كند. همه دنيا مي دانند كه شيطان بزرگ، امريكاست ؛ اين يك حرف متّكي به دليل است. اين عنوان «شيطان بزرگ» براي امريكا، يك نامگذاري بي دليل نبود. شما به تاريخ سي، چهل سال گذشته نگاه كنيد ؛ بيشترين كار شكني را نسبت به نهضتهاي مردمي و مستقل، امريكا كرده است. بيشترين ترور شخصيتهاي مؤمن پاكدامن را در دنيا، دستگاه جاسوسي سياي امريكا كرده است. بيشترين حمايت را از رژيمهاي ضدّمردمي در دنيا، امريكا كرده است. بيشترين فروش اسلحه و سلاحهاي مرگبار را در دنيا امريكا كرده است.
بيشترين چپاول و غارت را نسبت به ثروتهاي ملتها، امريكا كرده است. اينها شيطنت است ؛ پس بزرگترين شيطانهاست. البته اين كارها را شيطانهاي ديگري هم در دنيا مي كنند، اما هيچكدام به شيطنت امريكا نيستند ؛ پس او حقاً شيطان بزرگ است. اين شيطان بزرگ كه همه ملتها - نمي گويم همه دولتها و حكومتها - شيطنتش را قبول دارند، جمهوري اسلامي را به شيطنت متهم مي كند! ما افتخار مي كنيم كه منفورترين شيطانهاي دنيا، با ما با اين لحن حرف بزند. ما از تعريف و تجليل سردمداران رژيم امريكا هرگز خشنود نمي شويم. او مسؤولان كشور ما را متّهم مي كند كه منتخب مردم نيستند! در جمهوري اسلامي، همه سران كشور، منتخبان ملتند ؛ آن هم نه يك انتخاب خشك و صرفاً براي اين كه كاري كرده باشند ؛ يك انتخاب حداكثري مطلق و همراه با عواطف شديد است. اين بي تجربگيها و بي معرفتيهاي نسبت به حقايق ملتها، همان چيزهايي است كه امريكا تا به حال سيلي و چوب آنها را خورده و بعد از اين هم خواهد خورد. مسؤولان بي تجربه امروز امريكا، كشور بزرگ خود را با اين حرفها و با اين كارها لحظه به لحظه به لبه پرتگاه سقوط نزديكتر مي كنند. اينها از معنويّت و انسانيت و حقوق انساني بويي نبرده اند. با ملتهاي مظلوم، اگر بتوانند، در نهايت شدّت و خشونت عمل مي كنند. با ملتهايي كه در مقابل آنها تسليم نشوند و به زانو در نيايند ؛ اگر بتوانند، همان كاري را مي كنند كه امروز رژيم صهيونيستي با مردم فلسطين مي كند. ولي نمي توانند و در ارزيابي قدرت خود هم اشتباه مي كنند.
رژيم صهيونيستي با پشتيباني امريكا - دو عنصر به كلّي دور از معنويت و حقيقت و عدالت و انسانيت - در صدد

است ملت فلسطين را به زانو درآورد و او را وادار كند كه حرف حقّ خود را بر زبان نياورد و پس بگيرد ؛ و البته نخواهد توانست. خصوصيت مبارزه امروز و انتفاضه فلسطين اين است كه ملت فلسطين به معناي حقيقي كلمه به پاخاسته است.

به نقش رسانه ها و تبليغ مي رسيم. اين صحنه مبارزه، يک صحنه عمومي است. هر كس به قدر توانايي خود در سرتاسر دنياي اسلام وظيفه اي دارد و بايد نقشي ايفا كند. امروز دنيا، دنياي رسانه ها و تبليغ و تبيين است. امروز در مقابل شما امپراتوري خبري دشمنان دنياي اسلام قرار دارد كه غالباً در كنترل صهيونيستهاست. امروز يک اتوبان يکطرفه خبر و تحليل از طرف رسانه هاي خبري به سمت افكار عمومي دنيا - از جمله افكار عمومي كشورهاي عربي و اسلامي و خود مسلمانان - جاري است. صهيونيستها از آغاز شروع كار خود، به سمت رسانه هاي خبري و تبليغي رفتند. يكي از سياستهاي آنها اين بود كه رسانه هاي تبليغي دنيا را قبضه كنند. امروز اين گونه است. آنها از اوّل كار، يک شگرد تبليغي را انتخاب كردند كه بسيار مهمّ و تعيين كننده بود و تا امروز تأثيرگذار بوده است ؛ آن شگرد تبليغي عبارت است از مظلوم نمايي. براي مظلوم نمايي، داستانها و افسانه هاي فراواني جعل شد ؛ خبرهايي ساخته شد و تلاشهاي بي وقفه اي انجام گرفت. امروز هم در نهايت سفّاكي، باز همان تبليغات ادامه دارد ؛ يعني باز هم مهمترين كار صهيونيستها در دنياي تبليغات، مظلوم نمايي است. اينها مسأله نگراني رواني يهوديان را مطرح كردند و گفتند چون يهوديان در طول قرنهاي متمادي زير فشار بودند، از لحاظ رواني دچار نگراني اند و به امنيّت رواني احتياج دارند. صهيونيستها در مذاكرات با سران كشورهاي غربي و بعدها در گفتگوهاي خود با كشورهاي اسلامي و عربي، مسأله امنيّت رواني را مطرح كردند و گفتند ما به امنيّت رواني احتياج داريم و بايد امنيّت رواني ما تأمين شود. اين امنيّت رواني يعني چه؟ هيچ معناي مشخّص و هيچ پاياني ندارد. هر اقدامي بخواهد انجام بگيرد، اگر به سودشان نباشد، به بهانه امنيّت رواني، مي توانند آن را خنثي كنند. بسياري را در دنيا قانع كردند كه به امنيّت رواني احتياج دارند و بايد امنيّت رواني آنها تأمين شود.

برآوردن نياز اسرائيل در مورد امنيّت رواني، مشكلتر است از چشم پوشيدن از سرزمين. شما وقتي سرزمين را از دست مي دهيد، مي دانيد چه چيزي را از دست داديد ؛ اما وقتي مي خواهيد خواسته اسرائيل را در مورد امنيّت رواني برآورده كنيد، نمي دانيد تا كجا بايد تسليم شويد و تا كجا بايد امتياز بدهيد. اين امتياز دهي، پاياني ندارد ؛ مرتّب بايد امتياز داد. تجربه اروپا در اين مورد، عبرت آموز است. دولت آلمان صد و پنجاه ميليارد مارک به عنوان خسارت به يهوديان داد ؛ اما خسارت يهوديان از آلمان هنوز تمام نشده است ؛ باز هم خسارت طلبكارند و بايد به آنها داده شود! آنچه يهوديان با آلمان كردند، كم و بيش با برخي كشورهاي اروپايي ديگر - مثل اتريش، سوئيس، فرانسه، حتّي تا چند سال قبل با واتيكان - نيز انجام دادند. همه بايد خسارت بدهند ؛ اين خسارت تمام شدني نيست!

در بعد رواني، اسرائيليها فعّاليتهاي بسيار مهمّي دارند. همه سياستمداران، خبرنگاران، روشنفكران، كارگزاران و نخبگان غرب بايد در مقابل بناي يادبود كوره آدم سوزي سر تعظيم فرود بياورند ؛ يعني همه، داستاني را كه اصل صحّت آن معلوم نيست، مورد تأكيد قرار دهند و خود را بدهكار آن داستان قلمداد كنند. اينها روشهايي است كه در تبليغ دارند و همه معطوف به «مظلوم نمايي» است.

البته در بخش ديگري از دنيا، با تكيه بر داستانهاي ذكر شده در تورات و اين كه اين جا سرزميني است كه به فرزندان اسرائيل بخشيده شده، بسياري از مسيحيان را هم با خود همفكر و همدل كردند. آن طوري كه من در آماري ملاحظه كردم، اينها توانسته اند در برخي كشورها - از جمله عمدتاً در امريكا - به عنوان پشتوانه افكار عمومي، با همين تبليغات، ميليونها صهيونيست غير يهودي درست كنند! اينها سالهاست كه اين كار تبليغاتي را مي كنند. امروز هم با شدّت هر چه تمامتر همين تبليغات در دنيا ادامه دارد.

البته از حوادثي هم كه پيش آمد - مثل حادثه بيستم شهريور (يازده سپتامبر) در نيويورک و واشنگتن - حداكثر سوء استفاده را كردند و توانستند مسأله فلسطين را از متن قضاياي دنياي اسلام به حاشيه برانند. از اين جهت هم صهيونيستها صددرصد مورد كمک امريكا قرار گرفتند. اما در مقابل، هيچ كس حق ندارد و نبايد در كشورهايي كه ادّعاي آزادي مي كنند، آتش زدن زندگي زنان و كودكان فلسطيني را مورد سؤال و اعتراض قرار دهد و قساوتهايي را

که امروز علیه ملت فلسطین به کار مي رود، ذکر کند.
با توجه به این روش تبلیغي و شناخت رواني اي که انسان از دشمن پیدا مي کند، مجموعه مسؤولان و کارگزاران رسانه هاي کشورهاي اسلامي باید مسؤولیت خود را احساس و راه خود را تنظیم کنند. این یک کار حیاتي و مهمّ است. امروز نه فقط براي ملت فلسطین، بلکه براي دنیاي اسلام، این یک کار حیاتي و یک وظیفه سنگین است.
به عنوان یک مثال، من تجربه جنوب لبنان را - که دوستان در جریان آن هستند - به عنوان یک الگو مي توانم مطرح کنم. مؤمنین و جوانان مبارز لبنان توانستند از اهرم و عامل تبلیغات به بهترین وجه و به صورت شایسته، در حرکت عظیمي که علیه صهیونیستها کردند، استفاده کنند ؛ توانستند عنصر مقاومت و فداکاري را به دنیاي اسلام درست منعکس کنند ؛ به این ترتیب است که دشمن به ستوه مي آید. همه دنیاي اسلام فهمید که مقاومت در جنوب لبنان چه مي کند و چه کار مي خواهد بکند و هدفش چیست. در آن جا تبلیغات به شیوه خوب و درستي به کار رفت.
خودي روحیه پیدا کرد، دشمن روحیّه اش ضعیف شد و به ستوه آمد. این کاري است که ما همیشه باید بکنیم. دنیاي اسلام همیشه در حال مبارزه و مورد حمله است. این قطعه اي از بدن دنیاي اسلام است که امروز در چنگال صهیونیستهاست ؛ شب و روز به آن حمله مي کنند ؛ لذا باید از رسانه ها حداکثر بهره برداري به نفع این قضیه به عمل آید.
لازم است براي استراتژي تبلیغي علیه صهیونیستهاي غاصب، یک طرّاحي بنیادین صورت گیرد. این که ما به صورت تاکتیکي در هر موقعیّتي بخشي از مظلومیتها را بیان کنیم، کافي نیست. باید یک راهبرد عمومي، تبلیغي در همه دنیاي اسلام به صورت مشترک تعیین و به آن عمل شود.
ما رسانه هاي بزرگ دنیا را در اختیار نداریم ؛ اما آنچه را هم که در اختیار داریم ؛ چیز کمي نیست. ما باید از سرمایه و موجودي خود - که متعلّق به دنیاي اسلام است - حداکثر استفاده را بکنیم. همه در این زمینه مسؤول و موظّفند. روشنفکران و سیاستمداران و شاعران و نویسندگان و هنرمندان و دانشگاهیان مسؤولند. اینها قشرهاي اثرگذارند ؛ اینها کساني اند که مي توانند رسانه ها را به درستي تغذیه کنند. شما که در این جا جمع شده اید، همین اجتماعتان یک حادثه بزرگ است. در این اجتماع، شما مي توانید این را پایه اي براي یک حرکت هماهنگِ رسانه اي در همه دنیاي اسلام قرار دهید. این کار ممکني است. چرا ما از ابزارهاي خود استفاده نمي کنیم؟
بسیاري از نویسندگان و روشنفکران دنیاي اسلام به سردمداران برخي از کشورهاي اسلامي و دولتهایي که رفتار مناسبي در مقابل صهیونیستها ندارند، اعتراض مي کنند و مي گویند چرا از نفت و ثروت و از امکان سیاسي خود علیه صهیونیستها استفاده نمي کنید؟ البته این اعتراض وارد است و به نظر ما این اشکال، اشکال درستي است ؛ اما عیناً مي شود همین سؤال را در دنیاي روشنفکري، نویسندگي و دنیاي دانشگاهها مطرح کرد: چرا از سرمایه عظیم علمي و روشنفکري، چنان که باید و شاید، استفاده نمي شود؟ گاهي یک شعر و یک قصیده تأثیري مي گذارد که بسیاري از پولها و ثروتها نمي تواند آن اثر را به وجود آورد. یک روز یک شاعر فلسطیني قصیده اي گفت و دلهاي دنیاي عرب را به شورش وادار کرد - این مربوط به سال 67 یا 68 است - گاهي یک شگرد خوب رسانه اي یا یک حرکت هماهنگ تبلیغاتي، از بستن شیرهاي نفت اثرش بیشتر مي شود.
آنچه که ما امروز احتیاج داریم، این است که کساني که مشغول مبارزه هستند، روحیه پیدا کنند و بدانند آینده آنها امیدبخش است. متأسفانه گاهي عکس این دیده مي شود. دستگاههاي تبلیغاتي غرب تلاش مي کنند تا این امید را در هم بشکنند. در همین ماههاي اخیر که انتفاضه حداکثر احتیاج را به حمایت و کمک داشت، دیده شد که در دنیاي اسلام بعضي از قلمها به مطالبي کشانده شد که براي انتفاضه سم بود. از ناتواني و ضعف انتفاضه حرف زدند ؛ اینها سم است. معناي این مطالب این است که ملت فلسطین هیچ راهي جز تسلیم و به خاک افتادن در مقابل صهیونیستها ندارد.
البته امریکا و اسرائیل هم به چیزي کمتر از تسلیم مطلق فکر نمي کنند، اما آنها دشمنند و البته اشتباه مي کنند. این چیزي است که پیش نخواهد آمد. آنها جز به تسلیم مطلق از طرف فلسطینیها قانع نیستند ؛ رفتار آنها با طرف فلسطیني، یک بار دیگر این را ثابت کرد. آنها حاضر نیستند هیچ امتیازي به طرف فلسطیني بدهند. آنها مي خواهند

از طرف فلسطيني هم به عنوان يک ابزار براي نابود کردن انتفاضه فلسطين استفاده کنند. به کمتر از اين قانع نيستند. ما نبايد به تسليم کردن و نوميد کردن ملت فلسطين کمک کنيم ؛ ما بايد حقيقت را بيان کنيم. حقيقت، اميد و افق تازه و به لرزه درآمدن زانوان صهيونيستها و محتاج شدن و مستأصل شدن قدرتهاي حامي صهيونيستها در مقابل حرکت عمومي ملتي است که متّکي به ايمانش حرکت مي کند. آن ملتي که يکپارچه حرکت مي کند و به ايمان خود متّکي است، شکست پذير نيست. ما بايد اين حقايق را براي ايجاد اميد بيشتر در دلهاي کساني که وسط ميدان و صحنه اند، روشن کنيم و زمينه رواني مقاومت را فراهم نماييم. وظيفه رسانه ها اين است که کاري کنند تا زمينه رواني مقاومت پيدا شود.

امروز در دنيا رسانه هاي صهيونيستي تجاوزهاي مکرّر و همه روزه اسرائيل را به صورت گذرا مطرح مي کنند. اگر مي توانستند همين را هم مطرح نکنند، نمي کردند ؛ منتها مصالح رسانه اي آنها ايجاب مي کند که مطرح کنند ؛ ولي خيلي گذرا، خيلي سطحي، خيلي ناقص و گزينشي ؛ اما عمليات فلسطينيها را که دفاع از وجود و شرف و ميهن و سرزمينشان است، طوري منعکس مي کنند که گويا اسرائيل مظلوم است! مظلوم واقعي را که ملت فلسطين است، تروريست و جنايتکار جلوه مي دهند ؛ اما متجاوز سفّاک جنايتکار را مظلوم نشان مي دهند. امروز رسانه هاي دنيا اين کار را مي کنند ؛ سياستمدارها هم در اظهارت خود، همين حرفها را تکرار مي کنند.

سيستم رسانه اي اسلام و سيستم رسانه اي عرب بايد طوري رفتار کند که معنايش اين نباشد که از معرکه دور است. شما وسط ميدانيد ؛ چه بخواهيد و چه نخواهيد. امروز، روزي است که هر اقدام ما، در آينده تاريخ اثر مي گذارد و ثبت خواهد شد. ما اميدواريم که همه دنياي اسلام اين قضيه را با همه ي ابعادش به روشني درک کند و بر طبق آنچه وظيفه اوست، عمل کند.

اميدواريم خداي متعال برکات و فضل خود را بر ملت فلسطين و بر دنياي اسلام نازل کند و آنها را مشمول لطف و نصرت خود قرار دهد. ما آفاق را روشن مي بينيم. ما با ايستادگي، آينده خوبي را براي دنياي اسلام و فلسطين پيش بيني مي کنيم. ما معتقديم که مرگ دنياي اسلام و ذلّت و تحقير نهايي او روزي است که در مقابل فزون طلبي استکبار و صهيونيسم عقب بنشيند و تسليم آن شود. اميدواريم خداوند چنين روز و چنين وضعيّتي را هرگز براي دنياي اسلام پيش نياورد.

والسّلام عليکم و رحمةالله و برکاته